



ذکر مصیبت ابا عبدالله الحسین(ع) در ورود به کربلا/ هرگاه بلاء و سختی حادث شود دینداران کم می شوند

هر یک از روزهای دهه اول محرم به یک عنوان که غالباً نام شهدای کربلا است، مشهور گردیده و ستایشگران اهل بیت علیهم السلام با ذکر مصائب صاحب نام آن روز به عنوان مقدمه، عزای حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) را اقامه می نمایند

خبرگزاری مهر- هر یک از روزهای دهه اول محرم به یک عنوان که غالباً نام شهدای کربلا است، مشهور گردیده و ستایشگران اهل بیت علیهم السلام با ذکر مصائب صاحب نام آن روز به عنوان مقدمه، عزای حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) را اقامه می نمایند. بنا بر سنت روضه خوانی معمول، روز اول محرم روزی است که ذاکران اهل بیت(ع) به مسئله ورود کاروان امام حسین(ع) به کربلا اشاره کرده و با خواندن اشعاری سوزناک به بیان زبان حال امام حسین(ع) در سرزمین نینوا می پردازند و در ادامه با اشاره به وضعیت حرم اهل بیت(ع) در ابتدای ورود به کربلا با وجود مردانی شجاع و غیور، به مقایسه شرایط روز اول ورود با عصر عاشورا پرداخته و با ذکر مصیبت حضرت زینب(س) و اسارت کاروان ابا عبدالله(ع) بر غربت اهل بیت رسول خدا(ص) اشک ماتم می ریزند.

ورود به کربلا

بیشتر منابع، در گزارشهای خود از روز پنج شنبه دوم محرم سال 61 هجری، به عنوان روز ورود امام حسین(ع) و یارانش به کربلا یاد کرده اند. با این وجود گزارش دینوری را که روز ورود امام(ع) به کربلا را روز چهار شنبه اول محرم عنوان کرده است، را هم نباید از نظر دور داشت.

پس از توقیف کوتاه در منزلگاه «البیضة»، امام(ع) و همراهانش سوار بر مرکب شدند و با شتاب حرکت کردند تا اینکه نزدیک ظهر به سرزمین «نینوا» رسیدند، در این زمان سواری مسلح از دور پدیدار شد که کمانی بر شانه داشت و از کوفه می آمد؛ همه آمدن آن مرد را به نظاره نشستند تا اینکه نزدیک شد. سوار بی آنکه به امام حسین(ع) و اصحابش سلام کند، به حر و همراهانش سلام کرد و بعد نامه ای را به دست حر داد. در این نامه ابن زیاد خطاب به حر نوشته بود که: «چون نامه من به تو رسید و فرستاده من نزد تو آمد، بر حسین(ع) سخت گیر، و او را فرود نیاور مگر در بیابان بی حصار و بدون آب! به فرستاده ام دستور داده ام از تو جدا نگردد تا خبر انجام دادن فرمان مرا بیاورد، والسلام.»

حر خدمت امام حسین(ع) آمد و نامه ابن زیاد را برای آن حضرت(ع) قرائت کرد، امام(ع) به او فرمود: "بگذار در «نینوا» و یا «غاضریه» و یا در شقیه فرود آییم." حر گفت: "ممکن نیست، زیرا عیدالله، این آورنده نامه را بر من جاسوس گمارده است!"

زهیر گفت: "به خدا سوگند چنان می بینم که پس از این، کار بر ما سخت تر گردد، یابن رسول الله(ص)! اکنون جنگ با این گروه[حر و یارانش] برای ما آسان تر است از جنگ با آنهایی که از پی این گروه می آیند، به جان خودم سوگند که در پی اینان کسانی می آیند که ما را طاقت مبارزه با آنها نیست." امام(ع) فرمود: «درست می گویی ای زهیر؛ ولی من آغاز کننده جنگ نخواهم بود.» زهیر گفت: "در این نزدیکی و در کنار فرات آبادی است که دارای استحکامات طبیعی است به گونه ای که فرات از همه طرف به آن احاطه دارد مگر از یک طرف." امام حسین(ع) فرمود: "نام این آبادی چیست؟" عرض کرد: «عقر». امام(ع) فرمود: "پناه می برم به خدا از «عقر»!"

آنگاه، حضرت(ع) متوجه حر شدند و فرمودند: «با ما اندکی بیا. سپس، فرود می آییم.» پس با هم حرکت کردند تا به کربلا رسیدند. حر و یارانش، جلوی [کاروان] امام حسین(ع) ایستادند و آنان را از ادامه مسیر، باز داشتند. حر گفت: "همین جا فرود آی که فرات، نزدیک است." امام(ع) فرمود: «نام اینجا چیست؟» گفتند: کربلا فرمود: این جا، جایگاه کرب (رنج) و بلاست. پدرم هنگام حرکتش به سوی صقین، از این جا گذشت و من با او بودم. ایستاد و از نام آن پرسید. نامش را به او گفتند. پس فرمود: «این جا، جایگاه فرود آمدن مرکب هایشان، و این جا، جایگاه ریخته شدن خون هایشان است.» موضوع را پرسیدند. فرمود: «کاروانی از خاندان محمد(ص)، این جا فرود می آید.» سپس امام حسین(ع) فرمود: «اینجا، جایگاه مرکبها و بار و بئه ماست و [اینجا] قتلگاه مردانمان و جای ریخته شدن خونمان است.» آنگاه فرمان داد که بارهایش را در آن جا، فرود آوردند. آن روز مصادف بود با پنج شنبه، دوم محرم و به نقلی دیگر مصادف با روز چهارشنبه، اول محرم سال 61 بود.

نقل شده که پس از منزل گرفتن در کربلا، امام حسین(ع) فرزندان و برادران و اهل بیتش را جمع کرد و به آنان نگاهی کرد و

گریست سپس فرمود: «اللهم انا عترة نبيك محمد(ص) قد اخرجنا و طردنا و ازعجنا عن حرم جدنا و تعدت بني اميه علينا اللهم فخذ لنا بحقنا و انصرنا على القوم الظالمين؛ خداوندا بدرستی که ما عترت و خاندان پیامبرت محمد(ص) هستیم که [از شهر و دیارمان] اخراجمان کردند و پریشان و سرگردان از حرم جدمان [رسول خدا(ص)] بیرون شدیم و بنی امیه به ما تعرض کردند؛ خدایا پس حقمان را از آنان بگیر و ما را برابر ظالمان یاری ده.» بعد رو به اصحاب کرده فرمودند: «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم یحوطونه ما درت معائشهم فاذا محصول بالبلاء قل الدیانون؛ مردم بندگان دنیا هستند و دین لقلقه زبانیشان؛ حمایت و پشتیبانی از دین تا آنجاست که زندگی شان در رفاه است پس هرگاه بلاء و سختی حادث شود دینداران کم می شوند.»

سپس امام(ع) زمین کربلا را که چهار میل در چهار میل وسعت داشت از ساکنان نینوا و غاضریه به 60 هزار درهم خریدند و با آنان شرط کردند که مردم را به سوی قبرش راهنمایی کنند و از زائران حضرت(ع) سه روز پذیرایی کنند.